

این فصل را بامن بخوان

مجموعه اشعار در قالب قصه و روایت

میر فخرالدین متولی جاسی





این فصل را با من بخوان

مترجم: میرفرخالدین متولی جلالی
مطبع: انتشارات سینا (شهرام) جلال دوست
پایه نخست: ۱۴۰۳ / شمارگان: ۳۰۰ نسخه
مجموعه: دور، فوبن به رنگ آب

سرشناس: میرفرخالدین، ۱۳۳۷ -
عنوان و پدیدآور: این فصل را با من بخوان: مجموعه اشعار در قالب قصه و
روایت / میرفرخالدین متولی جلالی
مشخصات نشر: رشت، ۱۴۰۳
مشخصات ظاهری: ۷۵ صفحه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۳۲۳-۴۷-۳
عنوان دیگر: مجموعه اشعار در قالب قصه و روایت
موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۵
رده‌بندی کنگره: PIR۸۳۶۱
رده‌بندی دیویی: ۸۵۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۹۹۶۱۶۱۱

رشت، خ بهر العلوم، چاپ اول، طبقه اول
شماره ۷۶، کدپستی: ۱۵۸۶۱
تلفن: ۰۹۱۱۳۴۸۲۹۰۹-۰۱۳۳۳۲۶۵۷۵۹

انتشارات
سینا پسرود

همه حقوق این کتاب برای مؤلف محفوظ است.

فهرست

۷	مقدمه سخن
۱۱	قصه پایان امپراطوری
۱۴	منازعه فریکارانه
۱۷	منظومه ققنوس، نماد هویت ملی
۳۸	یک اتفاق شیرین برای سرودن یک مثنوی عاشقانه
۴۵	در تفسیر عشق زلیخا
۴۸	حکمت الهی
۵۰	سیر وسلوک عقل و عشق
۵۳	مناظره پیر و جوان
۵۸	پاچه خواری
۶۱	قصه نوگل غرقه شده در حجله خون
۶۶	اندر حکایت روباه و خر
۶۹	نعل وارونه
۷۲	درد ما آن دردهای دیگر است

چرا قصه؟ فواید قصه گویی

ما از ابزار قصه در آموزش غافلیم. انسان فطرتاً به قصه علاقه‌مند است. همچنین، به‌طور فطری، عموماً به دنبال خیرخواهی و پرستش، حقیقت‌جویی، کنج‌جویی و زیبایی‌دوستی بوده است و قصه‌ها نیز هیچ‌گاه عاری از این عناصر نبوده‌اند. با انتقال موضوع به شیوه داستان‌گویی نه تنها حس کنج‌کاوی و کنج‌طلبی را بیدار می‌سازیم بلکه به درون‌مایه و زیربنای فکری و اجتماعی موضوعی که به شکل داستان مطرح می‌کنیم، توجه کرده، به تبیین ترتیب اصول و ارزش‌های انسانی و عدالت اجتماعی را نیز ترویج می‌نماییم.

در دنیای پرمشغله امروز که بسیاری از جوانان و نوجوانان راه درست گوش کردن را نمی‌دانند، با به‌کارگیری ابزار قصه راه درست گوش کردن و اهمیت سکوت را به آن‌ها می‌آموزیم. از راه قصه می‌توان سرگذشت دانشمندان، هنرمندان شخصیت‌های تاریخی و مذهبی، وضعیت سیاسی اقتصادی و اجتماعی را به نحو بسیار مفیدی بیان کرد تا سرمشق خوبی برای تلاش باشند؛ چون در هر سرگذشتی درس عبرتی نهفته است.

برای بالا بردن روحیه همدلی و انسان‌دوستی بهتر است برای دانش‌آموزان از تدریس به شیوه قصه‌گویی استفاده شود. حقیقت جز این نیست که دانش‌آموز وقتی درس را به شکل قصه می‌شنود، امکان برقراری ارتباط با بچه‌های دیگر را بهتر درک می‌کند و حس همدلی‌اش با دیگران بیشتر می‌شود. قصه‌گویی بهترین راه برای بیان آرزوها و زبان مشترک انسان‌ها برای انتقال معانی ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی و تاریخی است.

پس، پیام‌ها و ارزش‌هایی را به مخاطب منتقل می‌کند. مخاطب با شنیدن قصه و فکر کردن به آن می‌تواند این پیام‌ها را جذب کند و ارزش‌های خانوادگی، اجتماعی و انسانی را یاد بگیرد. این پیام‌ها به دلیل ترمیم باطنی بودن، برای شنونده یا خواننده دلنشین‌تر، جذاب‌تر و دوام بیشتری دارند. استثنای تراسست. قدرت تمرکز و دقت با قصه‌گویی افزایش می‌یابد.

ابزار قصه اگر به درستی و به‌طور دقیق مورد استفاده قرار گیرد، بیش از هر وسیله دیگری در رفتارها مؤثر خواهد بود. همچنین می‌تواند ریشه بسیاری از انحرافات را به خصوص در نوجوانان و جوانان بخشکاند و بر آن‌ها تأثیرات تربیتی داشته باشد.

بهتر است فلسفه روزهای خاص مثل نوروز، جشن‌ها، عیدها و... را در کلاس به شکل قصه بیان کنیم و از این طریق جوانان را هرچه بیشتر و بهتر با فرهنگ ملی ایرانی آشنا کنیم.

با تدریس به کمک داستان‌گویی، روح خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی در دانش‌آموزان مان تقویت می‌شود. به این ترتیب، می‌توانیم از آن‌ها نیز بخواهیم که یکی از موضوعات کتاب درسی را انتخاب کنند و با استفاده از ابزار قصه و هماهنگ با یکدیگر، آن را به شکل کنفرانس در کلاس ارائه دهند. در اینجا است که آن‌ها همه تجارب قصه را در گنجینه ذهنشان می‌ریزند و تأثیرگذاری قصه به خوبی حس می‌شود.

زیباترین قصه‌ها از طریق هنر نقاشی قرن‌ها پیش روی دیوار غارهای کهن ترسیم شده است و این، علاقه بشر را به توصیف سرگذشت خود نشان می‌دهد. همچنین، راه‌های بهتر زندگی کردن و شیوه‌های زندگی بهتر را می‌آموزد. از جمله ارزش‌های اخلاقی که فرد در قصه‌ها پیدا می‌کند، می‌توان به مسئولیت‌پذیری، وفای به عهد، قانع بودن، فداکاری، امید، شجاعت، عشق به پدر و مادر، عدالت و انصاف، روح انسان‌دوستی و نوع‌پروری، عزت‌نفس، انسانیت، بی‌بیقت و فروتنی اشاره کرد. بنابراین، برای بهتر نشان دادن شیوه‌های زندگی در کنار تدریس، قصه و داستان بهترین وسیله است و موجب ارتقای توانایی، تفکر و تمرکز حواس می‌شود. تدریس داستان‌گونه موجب آن می‌شود که دانش‌آموز تجزیه و تحلیل بهتری داشته باشد، روابط علت و معلولی را کشف کند، استدلال‌ها را دریابد و در نتیجه، اعتماد به نفس بیشتری پیدا کند. قصه‌ها به انواع گوناگونی تقسیم می‌شوند و مردم جامعه به کمک آن‌ها، تاریخ و ادبیات خود را می‌آموزند، با اسطوره‌ها آشنا می‌شوند و به ارزش‌ها و آداب و رسوم دست پیدا می‌کنند. برای مثال، قصه‌های شاهنامه فردوسی تاریخ دلاوری‌ها و جنگاوری‌های ملت و دفاع از میهن بوده است.

مثنوی معنوی مولانا حکمت و اخلاق را می‌آموزد و دانش‌آموزان و افسانه‌ها پیام‌های روان‌شناختی مهمی در خود دارند.

مخاطب با قصه‌ها می‌آموزد که چگونه شخصیت خود را رشد دهد، بحران‌هایی مثل بحران عاطفی یا استقلال‌طلبی، بحران‌های اجتماعی و حتی فرهنگی را چگونه پشت سر بگذارد و اضطراب‌های درونی‌اش را از راه قصه تخلیه کند.

داستان‌ها به مخاطبان می‌آموزند که مبارزه با مشکلات در زندگی اجتناب‌ناپذیر و جریانی طبیعی در حیات بشری است و اگر انسان عقب‌نشیند، بر تمام موانع غلبه می‌کند و در نهایت پیروز می‌گردد. مخاطب به ارزش دانایی پی می‌برد و یاد می‌گیرد که شتاب‌زده عمل نکند و همه این‌ها به سلامت جامعه منتهی می‌شود.

قصه‌ها قوانین اخلاقی، شیوه تبعیت از آن‌ها و نیز نحوه شکل‌دهی انسان به هویت خویش و شخصیت اخلاقی را در ناخودآگاه فرسیرندگان می‌ریزد و نوعی جهان‌بینی را ارائه می‌دهد که در آن شکون به سمت تعالی روح سوق می‌یابد. این حرکت در گرو پیام‌ها و ارزش‌های اخلاقی‌ای است که از قصه برداشت می‌شود.

